

شرحی بر رساله موسیقی

جامی

نوشته حسینعلی ملاح

-۵-

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیش از اینکه مطالب مندرج در رساله را نقل کنم ضروری میدانم توضیح بدهم که : هر صدائی که وزن یا ریتمی بخود میگرفته در قدیم يك «نقره» (بر وزن شجره) محسوب میشده است - براین اساس سخن من که از يك «ت» و سه «ن» ترکیب میگردد واجد چهار نقره بوده است - یعنی :

ت : يك نقره -

تَن : دو نقره .

تَنَن : سه نقره

تَنَنَن : چهار نقره

مطالعه درباره چگونگی قرار گرفتن این نقرات را «علم ایقاع» یا وزن شناسی می‌گفتند .

نکته دیگر اینکه :

میزان بندی یا طرز اجرای این وزنها یا نقرات با توضیحاتی که نویسنده موسیقی یا آهنگساز ضمن اثر خود میداده است عملی میشده است . مثلاً : اگر قطعه‌ای به وزن 4/4 تألیف میشده است آهنگساز در ابتدای قطعه مینوشته است «چهارضرب» و با این عنوان نشان میداده است که آکسانها یا تأکیدها و تکیه‌ها و خلاصه ضربهای قوی و ضعیف روی کدام يك از صداها واقع می‌گردیده است .

محض آنکه بتوان وزنهاى تصنیف‌های گذشته را استخراج کرد گزیری نیست که به چگونگی وزن‌های معمول در روزگاران قدیم و نام هر يك از آنها آشنا شویم . در فصل آینده عبدالرحمن جامی مارا با وزن شناسی متداول در روزگاران گذشته آشنا می‌سازد .

قسم دوم در علم ایقاع

«چون نغمه عبارت از آوازیست که زمان آن را فی الجمله امتدادی باشد ناچار آنرا مبدأ و منتهایی خواهد بود . مبدأ آن را «نقره» خوانند . و چون نقرات متتابع گردد ، ازمنه متخلله میان آنها محدود خواهد بود و می‌شاید که هر جماعتی از این ازمنه محدود را ، دوری باشد که چون به آخر رسد باز از سر باید گرفت . و ایراد این جماعت نقرات محدوده‌الازمنه منتظمة - الادوار را «ایقاع» گویند ، و باید که این دورها بر ترتیبی بود که طبع سلیم

۱ - صفحه B ۴۴۴ رساله .

لازم است گفته شود ، بهنگامی که مطالعه نسخه موجود در کتابخانه استاد محترم آقای مجتبی مینوی دنبال میشد توفیق مطالعه نسخه خطی موجود در کتابخانه سلطنتی تهران نیز برای این بنده بدست آمد و از این فصل هر کجا که ضرورت پیدا کند نسخه بدل را نیز ذیل صفحات باعلامت « نسخه ت » ثبت خواهم کرد .

ادراك تساوی ازمنه وادوار آن تواند کرد بر مثال اوزان شعر که جماعتی از حروف متحر که وساکنه ترتیبی خاص داده اند که طبع سلیم بی تأمل و تقطیع ادراك وزن آن تواند کرد .

فصل

«هـ» زمان که متخلل گردد میان دو نقره است - یا از آن قبیل خواهد بود که در میان ایشان گنجائی^۱ نقره^۱ لحنیه دیگر نباشد و آن را زمان «ا» خوانند و مقیاس سایر ازمنه آنست که کمیت امتداد آنها را قیاس به وی تقدیر میکنند و یا ضعف آن خواهد بود و آن را زمان «ب» گویند = و یا ثلثه امثال آن و آن را زمان «ج» گویند = و یا اضعاف آن و آن را زمان «د» خوانند = و یا خمسه امثال آن ، و آن را زمان «ه» گویند .

و زمان «ا» تنها ، قلیل الاستعمال است زیرا که بواسطه قرب نقرات از اعتدال بیرونست ، و همچنین زمان «ه» را اعتبار نکرده اند زیرا که چون زمان «ه» میان دو نقره متخلل گردد امکان آن هست که نزدیک استماع نغمه مسموعه از نقره ثانیه صورت نغمه مسموعه از نقره اولی از سامعه زایل گردد ، و تالیف بین النغمتين وجود نگیرد .

پس معتبر به زمان ؛ «ب» و «ج» و «د» است .

توضیح اینکه : *زمان جامع علوم انسانی*

هر صدای موسیقائی واجد کشش یا امتداد یا زمانی است - کوتاه ترین کشش یا امتداد يك صدا را ، در قدیم واحد زمان نام گذاری کرده و علامت «الف» را برای آن اختیار کرده اند . (برخلاف امروز که واحد زمان مساوی نوت گرد و بلندترین امتدادهاست)

۱ - در هر دو نسخه بهمین نحو نوشته شده که کاملاً درست است و مراد همان

لفظ گنجایش متداول امروز ماست .

بنا بر این ۱ :

واحد زمان = الف ← د

دو برابر صد زمان = ب ← م

سه برابر صد زمان = ج ← ن

چهار برابر صد زمان = د ← هـ

پنج برابر صد زمان = هـ ← و

نکته قابل ملاحظه در وزن شناسی قدیمی اینستکه : قدما بجای اینکه برای هر ضرب امتداد یا کششی قایل باشند به زمان میان دو ضرب اهمیت میداده اند .

مثلا : اگر گفته شده که زمان میان دو نقره مساوی حرف «الف» است آن دو نقره یا آن دو ضرب را با نوت چنگ باید نشان داد زیرا مراد زمان میان آن دوست نه کشش یا زمان خود نقرات .

از میان این زمانها زمان «الف» را بسبب آنکه به تنهایی کمتر مورد استفاده قرار میگرفته و زمان «هـ» را بخاطر آنکه اجرای آن اشکالاتی داشته است حذف کرده اند و فقط سه زمان : ب - ج - د - را معتبر دانسته اند .

۱ - در ترجمه روسی معادل اتانین بوجه ذیل داده شده است :

تَن = (Tan)

تَنُ = (Tana)

تَنَن = (Tanam)

تَنَنَن = (Tananan)

فصل ۱

«هر دو حرف متحرك متعاقب را «سبب ثقیل» گویند ، چون : تن (tana) و يك متحرك و يك ساكن را «سبب خفیف» ، چون : تن (tan) - و دو متحرك و يك ساكن را «وتد» ، چون : تنن (tanan) - و سه متحرك و يك ساكن را «فاصله» ، چون : تننن (tananan) .

و هر جماعت نقرات که هست ، یا از منته متخلله میان آنها متساوی اند و آن را : «ایقاع موصل» خوانند ، و یا متفاصله^۲ و آنرا : «ایقاع مفصل» گویند . «اما موصل» : اگر زمان همه (ا) باشد چون زمانهایی که متخلل میان نقرات اسباب ثقال است (یعنی سببهای ثقیل که از چندین (tana) تشکیل می-

شوند) آن را «سریع الهزج» خوانند- چون : $\text{تَن تَن تَن تَن تَن تَن}$

و اگر زمان همه (ب) باشد چون زمانهای متخلل میان نقرات اسباب خفاف (یعنی سببهای خفیف مانند : (tan) آنرا : «خفیف الهزج» گویند - چون : تن - تن - تن

و اگر زمان همه (ج) باشد چون زمانهایی که میان تاآت اوتاد است (یعنی ت)هایی که در و تدهاست مانند : (tanan) در مثل : $\text{تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن}$

آنرا «خفیف ثقیل الهزج» گویند . *مع علوم انسانی*

و اگر زمان همه (د) باشد چون زمانهایی که میان مبادی فواصل است (یعنی ابتدای هر فاصله مانند : tananan) آنرا «ثقیل الهزج» گویند ، چون :

$\text{تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن}$

۱ - صفحه B ۴۴۴ رساله .

۲ - در رساله حاضر متفاضله و در نسخه (ت) متفاضله .

واما «مَفْصَلٌ» آنستکه: ازمنه آنها متفاوت باشد و آن بحسب تعداد ازمنه‌ای که دور آن دو دو باشد یا سه سه یا چهارچهار یا زیادت و بحسب تنوع اختلافات آن، که بعضی (ا) باشد و بعضی دیگر (ب) یا (ج) یا (د) یا غیر این ازصور محتمله، اقسام بسیار میتواند بود که تفصیل آن طولی دارد و متفطن^۱ لبیب به تأمل صادق، استخراج آن میتواند کرد.

فصل^۲

چون اصول ایقاع بوجه کلی معلوم شد، اکنون در تفصیل بعض صور جزئیة آن که پیش این طایفه چه در عرب و چه در عجم مستعملست شروع میرود و آن برانواع است.

۱- ثقیل اول

زمان دور آن برابر زمانی بود که در آن به هشت سبب ثقیل تلفظ توان کرد، مشتمل بر شانزده نقره، و ارکان آن: دو و دست و یک فاصله و یک سبب خفیف و باز یک فاصله. چون: تنن تنن تنن تنن - برون، مفاعلن فعلن مفاعلن.

توضیح:

در روزگار ما یک جمله موسیقی را از لحاظ کشش اصوات به واحدهائی مساوی تقسیم می کنند که هر واحد را «میزان» مینامند - این میزانها معرف وزن یا ریتم آن جمله موسیقی هستند - در قدیم بجای این واحدها یک (دور) که عبارت از مجموع اوزان یک جمله موسیقی است ملاک تشخیص وزن آن قطعه قرار میگرفته است مانند همین ثقیل اول که بوجه ذیل تعریف میشود.

۱ - متفطن دانسته نشد - لبیب بمعنای زیرک و خردمند است - از فحوای

کلام هویدا است که مراد محقق و پژوهنده خردمند است.

۲ - B ۴۴۴ نسخه حاضر.

۱- حجت بسبب
یا شازده نغمه

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶

۲- مثل از سه دور یعنی
شصت سه
از جهت برت

→ ریخت در ضرب
روی برت در ضرب

۱ ۳ ۴ ۶ ۷ ۸ ۱۰ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۶

(نامده) (خفیفه) (نامده) (نامده) (وتمه) (وتمه)

→ تعداد نقرات

شش شش شش شش شش
شش شش شش شش شش

→ اتامین
→ اتامیل

وزن عروضی → ۸ - ۸ - ۸ - ۸ - ۸ -

زبانها → (د) (ب) (د) (ج) (ج)

۳- در فصل اول
یا در شان نقرات

۳/۸

دو معتاد آنست که صاحب لحن، از جهت حفظ ازمنه ایقاعی و تساوی ادوار آن، بدست یا به آلت دیگر، در مقابلۀ نقرات لحنیه، نقرات غیر لحنیه می آرد و یا عدد کاری، و آن بر محافظت ازمنه ایقاعی و ادوار آن قادر بود (یعنی ضربها را با کفزدن یا کوبیدن بر یک آلت ضربی و یا با شمردن اعداد حفظ کنند).

دو معهود چنان بود که آن نقرات مقرون به نقرات اوایل ارکان بود و این طایفه بحسب مهارت، اکثر آنها را اسقاط میکنند و در ضرب دایره، بر دو نقره یا بیشتر اقتصار می نمایند و می باید که آن نقرات را در تخیل دایره و تصویر آن مدخل بیش از نقرات دیگر باشد و آنرا «ضرب اصل» گویند: پس^۱

۱ - نسخه حاضر اقاییل - و نسخه (ت) : اوایل .

۲ - نسخه حاضر : بر .

به «تاء» هر يك از اوتاد و فواصل و سبب ، يك نقره مقرون ميگردانند و باقي را زمان ميسازند.

(مراد اينستكه: نوازندگان دف و تنبک يا (ضرب) اكثر نقره ها را در موقع نواختن حذف مي کنند و فقط سر ضربهارا مينوازند يعني منحصرأ (تاهاي) اتانين (يعني ضربهاي قوي) را ملاك حفظ ريتم قرار ميدهند - از اينرو «ثقيل اول» را «ضرب اصل» هم ميگويند و اين ضرب اصل بر بنياد آنچه كه نوازندگان سازهاي ضربي اجرا مي کنند داراي پنج واحد است كه صاحب رساله آن را نيز «نقره» دانسته است .)

«پس نقرات پنج باشد و مي شايد كه به نونهاي متحرك اين الفاظ نيز نقرات مقرون گردانند - پس حروف اين دايره سه نوع بود : تاآت (يعني تها) و آنرا عمده حرکات گویند - و نونات ساكنه (يعني نونهاي ساكن) و آنرا عمده سکنات خوانند - و نونات متحرکه ، و آنرا مدرجات خوانند - اگر خواهند نقرات بدان مقرون گردانند و آن در آلات ذوات النغم باشد (يعني سازهاي كه قادر بنواختن الحان و نغمهها هستند) و اگر خواهند ادراج کنند و آن در آلات ذوات النقرات باشد (يعني سازهاي ضربي) چون دف و کف و غيرهما - و ضرب اصل ، در آن دو نقره داشته اند ، بعضي گویند كه آن نقره ثلثه و خامسه است از نقرات خمس ، و بعضي گویند كه آن نقره مقرون بحرکت سوم^۲ است از فاصله^۳ اولي و نقره مقرون بحرکت اولي از فاصله^۴ دوم^۴ و مختار آنست كه به اول هر كلمه از كلمات خمس ، نقره مقرون گردانند تا هيچ كلمه از آن خالي نباشد و درخيال دوری موزون منطبق شود - و بر تقدير قول «مختار» میان نقره^۵ اول و ثانيه و میان ثانيه و ثالثه زمان «ج» باشد - و میان ثالثه و رابعه زمان «د»^۶

۱ - نسخه ت : مداجات .

۲ - هر دو نسخه سيمست .

۳ - نسخه ت : قافله .

۴ - در نسخه حاضر بعد از فاصله (اولي) مضاف كه زايد است .

۵ - نسخه حاضر «میان اوتالي و ثانيه» .

۶ - نسخه حاضر «ط» كه بي معناست - نسخه ت : «د» .

و میان رابعه و خامسه زمان «ب» و اگر دور^۱ عود کند^۲ میان خامسه^۳ و اولی زمان «ج» - و اهل عجم این دور را ورشان^۴ گویند.

۵۴ - ثقیل ثانی

«زمان آن مساوی زمان ثقیل اول است ، و ارکان آن : دو وتد ، و سبب^۵

خفیف ، و باز دو^۶ وتد و سببی خفیف - چون : تنن تنن تن - تنن تنن تن

(tanan - tanan - tan tanan - tanan - tan)

بروزن : مفاعلن فع مفاعلن فع.

بناء هریک از اوتاد و اسباب یک نقره مقرون گرداند - و (ج)^۸ میان

نقره اول و ثانیه - و میان ثانیه و ثالثه زمان (ج)^۹ باشد - و میان ثالثه و رابعه

زمان (ب) و میان رابعه و خامسه (ج)^{۱۰} - میان خامسه و سادسه زمان (ج)^{۱۱} و

میان سادسه و اولی ، اگر دور عود کند زمان (ب) - پس در این دور^{۱۲} زمان

«ا»^{۱۳} مفقود بود ، و بعضی از اهل عمل یک نقره بحرکت اولی از وتد اول ، و

۱ - نسخه حاضر ، در .

۲ - نسخه حاضر ، کنند.

۳ - نسخه حاضر ، «خامسه اولی و زمان (ط)» که منقوش است.

۴ - طرز تلفظ این کلمه در ترجمه روسی Verchân ثبت شده - گویا

Varachân که بمعنای کبوتران است درست باشد.

۵ - در نسخه حاضر محذوف است .

۶ - نسخه (ت) ؛ سببی جامع علوم انسانی

۷ - نسخه (ت) دهر .

۸ - نسخه (ت) و نسخه حاضر «ح» و در ترجمه روسی (ج) که درست تر

است .

۹ - در نسخه (ت) ؛ «میان نقره اولی و ثانیه و ثالثه زمان «د» باشد» .

در ترجمه روسی «ج» که درست تر است .

۱۰ - ۱۱ - در هر دو نسخه «د» است و در ترجمه روسی «ج» که درست تر است .

۱۲ - نسخه حاضر «و» - ضمناً لازم است توضیح داده شود که هر چند ضرب

که بایک فاصله یا سکوت از یکدیگر جدا شوند یک دور محسوب میگردند .

۱۳ - نسخه حاضر «د» نسخه (ت) ، (ا) .

۱۳- خفیف ثقیل

«دور آن نیز مساوی دور ثقیل^۲ اول بود ، و ارکان آن هشت سبب است، يك سبب خفیف و يك سبب ثقیل ، برین ترتیب تا هشت تمام شود - چون : تن تن تن تن تن تن تن تن - فاعل فاعل فاعل فاعل - و ضرب اصل درین دور دونقره است ، یکی نقره اولی از سبب اول ، و دوم نقره اولی از سبب سابع. و روشن است که درین دور^۳ چهار زمان «ب»^۴ موجود است و هشت زمان «ا»^۵ بر تقدیر اعاده دور -

و دو زمان (ج) و (د) (یعنی نوتهای سیاه نقطه دار و سفید) درین دو مقفودند و بعضی در وجه تسمیه ادوار ثقال چنین گفته اند : چون زمان «د» اطول از منه است و به اول مخصوص ، آنرا ثقیل اول گفتند ، و چون زمان «ج» که اقصر است از زمان «د» و اطول از زمان (ا) و (ب) مخصوص است به ثانی آنرا ثقیل ثانی گویند - و چون زمان (د) و (ج) هر دو مقفودند در ثالث ، آنرا خفیف ثقیل گویند -

توضیح :

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بنابر آنچه نقل شد خفیف ثقیل مشخصاتی بنحو ذیل داشته است :
رتال جامع علوم انسانی

۱ - در نسخه حاضر شماره محذوف.

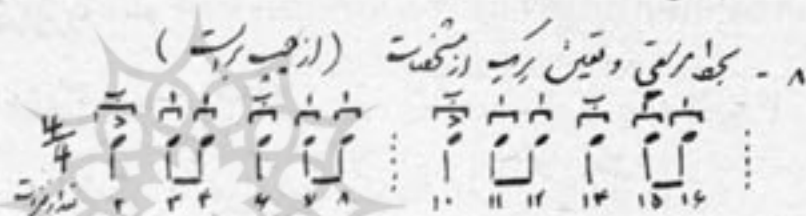
۲ - ثقیل اول واجد شانزده نقره بود که در خفیف ثقیل نیز تعداد نقرات شانزده نقره است .

۳ - در نسخه حاضر «دو»

۴ - در نسخه ت ، محذوف .

۵ - در نسخه ت : محذوف .

- ۱- اتاین ← تن تن تن تن تن تن تن
- ۲- اسباب ← خفیف قیل خفیف قیل خفیف قیل خفیف قیل
- ۳- اناس ← نا نا نا نا نا نا نا
- ۴- وزن عروضی ← ۸۸ - ۸۸ - ۸۸ - ۸۸
- ۵- زمانه ← ب درین ب درین ب درین ب درین ب درین
- ۶- تعداد ضربات ← ۲ ۴ ۶ ۸ ۱۰ ۱۲ ۱۴ ۱۶
- ۷- ضربات علی ← نوزاد نوزاد



همانطور که ملاحظه میشود خفیف ثقیل وزنی بوده است که در هر میزان آن چهار سیاه قرار میگرفته و بنا بر این چهار ضربی بوده است. و نوهای سفید و سیاه نقطه دار یعنی واحدهای (ج) و (د) در آن محذوف است.

روزگارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

 رتال جامع علوم انسانی

۴- رمل

دوران آن برابر زمانی است که در آن به ۱ شش سبب ثقیل تلفظ کنند ، مشتمل بر دوازده نقره ، و ارکان آن: چهار سبب خفیف است و یک فاصله - چون: تن تن تن تن تن تن - بروزن : مفعولاتن فعلن - و نقرات آن پنج^۲ باشد و ضرب

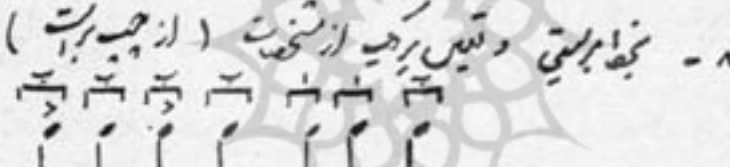
۱ - در نسخه (ت) محذوف .

۲ - نقرات رمل دوازده عدد است . بر مبنای آنچه مترجمان روسی استنباط کرده اند مراد از پنج نقره تأکید یا ضرب قوی است که روی اولی و پنجمی قرار میگیرد. چگونگی این موضوع را در توضیح مربوط به رمل مطالعه خواهید فرمود.

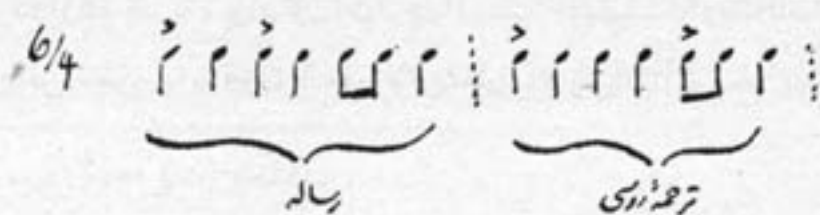
اصل در آن ، نقره اولی و نقره خامسه .

توضیح :

بنا بر آنچه نقل شد رمل مشخصاتی بنحوذیل داشته است :

- ۱- اتاین ← تَن تَن تَن تَن تَن تَن
- ۲- نهاب زمام ← خِن خِن خِن خِن خِن خِن نامده
- ۳- امعل ← مَف عر لا تَن فَعْلُن
- ۴- وزن عرضی ← - - - - -
- ۵- زمانها ← ب ب ب ب ب دهن + ب
- ۶- قدر اثری ← ۲ ۴ ۶ ۸ ۱۰ ۱۲
- ۷- ضربهای صحیح ← ت اول ت پنجم
- ۸- نجه برستی و تیس رجب از شصت (از چوب برستی)


علامت آکسان که نشان دهنده ضربهای اصلی است طبق نوشته رساله روی نونهای اول وسوم قرار میگیرد ولی مترجمان زوسی آکسانها را روی سیاه اول ونخستین چنگ نهاده اند - چنانچه این دور را يك واحد یا يك میزان موسیقی فرض کنیم میزان 6/4 بدست می آید که هم اکنون نیز در بعض از روستاها پایه اصلی یکنوع رقصهای دسته جمعی است و نشان دهنده یورش و حمله سپاهیان است .



تردید نیست که این وزن را میتوان بصورت 2/4 نیز نوشت درینصورت آکسانها روی نوتهای اول وسوم و پنجم قرار میگیرد - ولی آن حالتی را که از

توضیح :

- ۱- اتانین ← تنن تنن تنن تنن
- ۲- بسب و تد ← خننن خننن و تد خننن و تد
- ۳- اناعیل ← نا عینن نا عینن
- ۴- وزن عروضی ← - - - - - - - -
- ۵- زمانها ← ب + ا ب + ا ب + ا ب + ا
- ۶- تعداد نقره ← ۲ ۵ ۷ ۱۰
- ۷- ضربها ← تاول تاول
- ۸- نگاه برمی (از جهت $\frac{3}{8}$)
ا ا ا ا ا ا ا ا
ا ا ا ا ا ا ا ا

اگر بخواهیم این دور را بشیوه خط موسیقی به میزانهایی تقسیم کنیم ناگزیریم زمانهای (ب) یعنی نوتهای سیاه را به زمان (ج) یعنی سیاه نقطه دار تبدیل کنیم - در این صورت میزان 6/8 بدست خواهد آمد :

ا ا ا ا ا ا ا ا

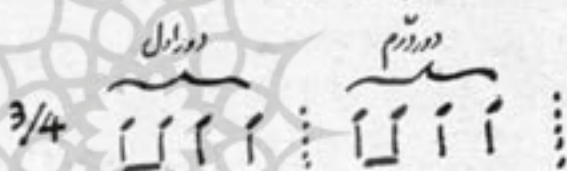
و یا بهمان صورت که هست نگاه داریم و میزان دوضربی درست کنیم با این تفاوت که چنگها را دو لاچنگ و سیاه های دوم و چهارم را چنگ نقطه دار فرض نماییم.

۷- هزج

صاحب ادوار گفته که زمان دور آن مساوی زمان خفیف رمل است و ارکان آن : تنن تنن تنن بر وزن : فعولن فعولن - و ضرب اصلش نقره اولی است و نقره نون و تد ثانی - و بعضی گویند که هر دو دور هزج مساوی يك دور از رمل که دوازده نقره است باشد ، پس هر يك از دور وی شش نقره باشد برین

وجه ثانی :

- ۱- اتانین ← تَشْتَشْ شَشْ
 ۲- اناعیل ← فَعْلَا تُنْ
 ۳- ماصلوب ← ناصد حَیْف
 ۴- وزن عروضی ← - - ۱۸ -
 ۵- زمانها ← درون + ب - ب
 ۶- تعداد نبرات ← ۴ ۶
 ۷- نسخه برسی (از جب برت)



این وزن را «چنبر» نیز می‌گفته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۸- چهار ضرب

دوران مساوی دور ۱ زمان ثقیل رمل است یعنی بیست و چهار نقره ،
 وارکان آن شش فاصله است برین صورت : تنن تنن تنن تنن تنن تنن بر
 وزن : متفاعلتن متفاعلتن متفاعلتن - وضروب آن چهار است ، ضرب اول برتاء
 فاصله اولی ۲ - و ضرب دوم برتاء فاصله چهارم و ضرب سیم برتاء فاصله پنجم
 و ضرب چهارم برنون دوم فاصله پنجم - و با تأمل باقی حرکات فواصل را
 باز نمایند - و گاه باشد که آنرا مضاعف سازند تا چهل و هشت نقره شود ، و گاه

۱- نسخه حاضر: زمان دور ثقیل رمل.

۲- نسخه حاضر مضاف: (واقع میشود).

از چهار فاصله و دو سبب ، و می‌شاید که يك سبب خفیف را بر فواصل مقدم دارند و یکی در میان ایشان باشد چون : تن تنن تننن - تن تنن تننن - بروزن : مفتعلن فعلن مفتعلن فعلن - و می‌شاید که هر سببی را در میان دو فاصله نهند ، چون :

تنن تن تنن - تنن تن تنن : فعلاتن فعلن - فعلاتن فعلن -
 و قسم دوم آنکه : برده زمان می‌گردد ، مرکب از يك سبب خفیف و يك وتد ، و باز يك سبب خفیف و يك وتد ، چون : تن تنن - تن تنن - بروزن : فاعلن فاعلن .

و بعضی گفته‌اند : مرکب از يك سبب خفیف و دو فاصله ، چون : تن تنن تنن - بروزن : مفتعلن فعلن .

توضیح :

وجه نخستین :

۱- آئین ← تن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن

۲- مظهر ب ← خفیف بیده ناصله خفیف ناصله ناصله

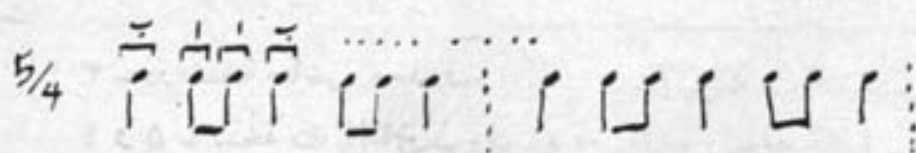
۳- آئین ← نعت تفعیل تفعیل تفعیل تفعیل تفعیل تفعیل

۴- وزن عروضی ← — — — — — — — — — —

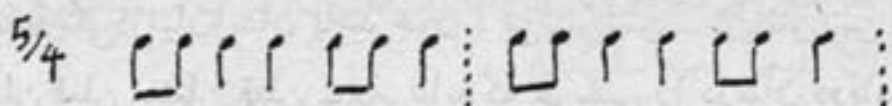
۵- زانها ← ب رینه + ب رینه + ب رینه + ب رینه + ب رینه + ب

۶- تعداد نغزات ← ۲ ۶ ۱۰ ۱۲ ۱۴ ۲۰

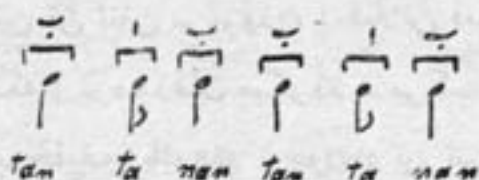
۷- آنجه برمی (از چپ برست)



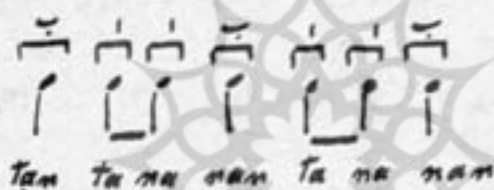
۸- وجه ثانی : (یعنی يك سبب خفیف میان دو فاصله) (از چپ بر راست) :



۹- وجه ثالث :



در صورتی که زمانهای (ب) اول و (ب) سوم را (ج) یعنی سیاه نقطه دار اختیار کنیم وزن 6/8 بدست می آید .
۱۰- وجه رابع :



که مکرر آن همان وزن 5/4 را متبادر به ذهن میسازد.

۱۰- دور ترکی

و آن بر چهار قسم است - اول : « ترکی اصل جدید » - و آن بیست نقره است و الفاظ^۱ آن چهار فاصله است در میان دو سبب خفیف چون :
تن تنن تنن تنن تنن تنن تن - بر وزن مفتعلن مفاعلهن^۲ فعلاتن -
« دوم^۳ : ترکی اصل قدیم : و آن بیست و چهار نقره است ، و الفاظ^۴ آن الفاظ^۵ ترکی اصل جدید است باز یادت یك فاصله بعد از سبب خفیف اخیر ،

۱ - در نسخه ت ، الفاض .

۲ - در هر دو نسخه متفاعلهن ثبت شده که نادرست است و درست آن متفاعلتن

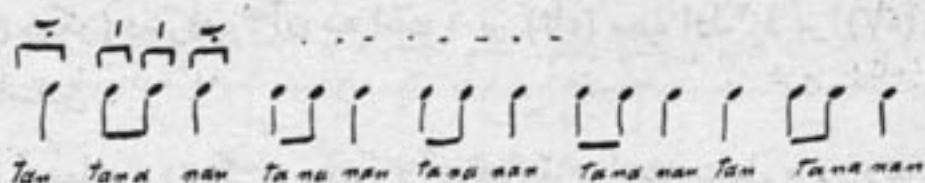
است .

۳ - در نسخه حاضر : محذوف .

۴ و ۵ - نسخه ت ، الفاض .

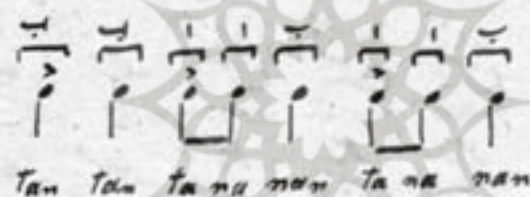
ب - ترکی اصل قدیم :

این دورکا، لا شبیه ترکی اصل جدید است با اضافه شدن يك (تنن) به-
آخر آن و بهمین سبب تعداد نقرات آن بیست و چهار نقره است -
بخط موسیقی (از چپ بر راست).



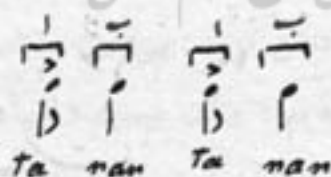
ج - ترکی خفیف

مشخصات این ضرب هم از قبیل اتانین و اسباب و فواصل و افاعیل و وزن
عروضی و زمانها و تعداد نقرات مانند سایر وزن ها که بدست داده شده قابل ثبت
است در اینجا ترکی خفیف بخط موسیقی نشان داده میشود :



د - ترکی سریع

ترکی سریع از دو دو و تد تشکیل میشود و مشخصات آن با ملاحظه جدول-
های قبلی آشکار میگردد - بخط موسیقی چنین است :



۱۱ - مخمس

« و آن سه قسم است - قسم اول : «مخمس کبیر» و آن شانزده نقره است -

۱ - در نسخه حاضر « به » مضاف.

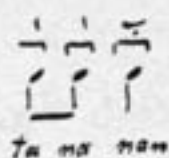
ب - مخمس اوسط :

این دور نیمی از دور مخمس کبیر است - یعنی



ج - مخمس صغیر :

از يك فاصله تشكيل میشود یعنی :



داین است دوایری که مشهور و مستعملست میان ارباب صناعت ، و بعضی متأخرین دوایر دیگر وضع کرده اند و این را هیچ حد و حصری نیست ، هر که خواهد ، هر چند خواهد ، از آن نقرات که خواهد ، ایقاع ضرب میتواند کرد - اما می باید که از حد اعتدال درنگذرد و بجائی نرسد که از احاطه به وزن آن عاجز آید و ضبط آن نتواند^۲ کرد.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خاتمه

بدانکه هر يك از دواير اثنی عشر (دوازده گانه) و آوازات^۲ و شعبات را تأثیر خاص هست - بعد از التذاذی که از همه حاصل است ، چنانکه : عشاق و نوا و بوسلیك^۴، قوت و شجاعت می بخشد - و آوازات^۵ از این نوع تأثیر خالی اند

۱ - نسخه حاضر : متاخران .

۲ - نسخه حاضر : تواند کرد .

۳ - نسخه حاضر : آوزات .

۴ - نسخه حاضر : بوسلیك .

۵ - نسخه حاضر : آوزات .

اما از شعبات : ماهور و نهاوند همین نوع تأثیر دارند در نفوس - و اما راست و عراق و اصفهان ، مفید افراط بسط و فرح اند ، و از آوازا ، نوروز و کردانیا و از شعبات : پنجگانه و زاوولی را همین نوع تأثیر است ، و اما بزرگه و وزیر افکن و راهوی و زنگوله مورث حزن و اندوه اند ، و از آوازا ، گواشت و شهنازرا و از شعبات ، حصار و همایون و مبرقع و بسته نگار و صبا و نوروز عرب و رکب و اصفهانك و روی عراق را همین نوع تأثیر است ، و اما حجازی و حسینی، مورث ذوق و بسطی مشوب بحزن و اندوه اند و از آوازا^۱، مایه و سلمك ، و از شعبات نهفت و نوروز بیاتی و دوگاه و عزال^۲ و اوج و جوزا^۳ و نیر^۴ همین نوع تأثیر دارند و صاحب عمل می باید که باهریک از این مجموع شعری را مقارن گرداند که مناسب اثر آن باشد تا تأثیر آن در نفوس بیشتر و بیشتر باشد .

اینست بیان آنچه از اصول و فروع این فن میسر شد - والله سبحانه ملهم الصواب ومنه المبداء و والیه المآب^۵،

پایان (بتاریخ ۱۰/۴/۱۳۵۰)

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱ - نسخه حاضر: اوزات.
- ۲ - نسخه حاضر: غربال.
- ۳ - نسخه حاضر: جوزی - نسخه ت: جوزی
- ۴ - نسخه حاضر مضاف: دو - می پندارم باید نیرین باشد .
- ۵ - خداوند که منزله باد، الهام بخش حقیقت و راستی است ، از او آغاز میشود و بازگشت نیز بدوست. « لازم است تذکار شود که در پایان نسخه ت، بعد از این جمله چنین آمده است: « الاتمام فی عزه رجب المرجب سنه تسعین و ثمان مائه - تمت الرساله الشریفه ناقلًا عن نسخه لاصل بعون الله و توفيقه. » بنابراین استنساخ این نسخه (از روی نسخه اصل) در تاریخ ۸۹۰ هجری یعنی هشت سال قبل از وفات خود جامی پایان یافته است.